

کارگر ساختمانی در یک قدمی چوبه‌دار



کارگران به نام احمد ۲۷ ساله پیش من آمد و گفت دستم‌زد من را تسویه کن چون می‌خواهم از اینجا بروم من هم پولش را دادم و رفتم. به دنبال اظهارات صاحب ساختمان احمد خیلی زود شناسایی و دستگیر شد. وی که در اولین اظهارات خود هر گونه اطلاع از قتل فریبا بود پس از بازجویی‌های فنی لب به اعتراف گشود و راز جنایت خود را برملا کرد. وی گفت: چند روزی بود که با زن جوانی به نام فریبا آشنا شده بودم و سوسه ارتباط با او راهیم نمی‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم به بهانه نشان دادن ساختمان تالار او را به آنجا بکشانم و نقشه‌ام را عملی کنم اما وقتی دیدم او رضایت ندارد با تهدید و زور به او تعرض کردم و بعد از ترس اینکه شکایت کند

تماس گرفتند. پس از بیرون کشیدن جسد به دستور بازپرس جنایی جنازه زن جوان به پزشکی قانونی منتقل شد نخستین معاینات پزشکی قانونی نشان می‌داد وی در اثر خفگی جان باخته است همچنین در گزارش دیگری مشخص شد این زن تحت آزار و اذیت جنسی قرار گرفته است. بدنبال شناسایی هویت این زن به‌نام فریبا خیلی زود تحقیقات کارآگاهان جنایی برای کشف راز این جنایت کلید خورد. در نخستین گام کارآگاهان از محل کشف جسد شروع به تحقیقات میدانی کردند. صاحب ساختمان گفت: ما قرار است در اینجا یک تالار پذیرایی بسازیم و مدتی است که کارگران سرگرم کار هستند اما چند روز قبل یکی از

گروه حوادث / مرد تبه‌کار که با کشاندن زن جوان به ساختمان نیمه کاره وی را مورد آزار و اذیت قرار داده و سپس به داخل چاه انداخته بود با تأیید حکم اعدامش بزودی پای چوبه دار خواهد رفت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۸۸ به‌دنبال پیدا شدن جسد زنی جوان از درون چاه یک ساختمان نیمه کاره آغاز شد. ساعت ۱۵ روز بیست و نهم آذر سال ۸۸ بود که کارگران ساختمانی نیمه کاره واقع در جهان شهر کرج هنگام کار متوجه شدند داخل چاه مانعی وجود دارد به همین خاطر یکی از کارگران وارد چاه شد تا موضوع را بررسی کند اما با جسد زن جوان رو به رو شد. بدین ترتیب بلافاصله با پلیس

آزادگر ۲۰ زن و کودک اعدام شد
گروه حوادث / حکم اعدام مرد شروری که با ورود به خانه‌های مردم، ۲۰ زن و کودک را مورد آزار قرار داده بود در زندان رجایی شهر اجرا شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اوایل دی سال ۹۷ آغاز شد. امیر، متهم این پرونده، مرد شروری بود که زنگ خانه‌ها را به صدا درمی‌آورد و با شنیدن صدای کودکان یا زنان تنها پشت آیفون، خودش را از دوستان پدر خانواده معرفی می‌کرد و با جلب اعتماد بچه‌ها، وارد خانه شده و بعد از ورود زنان و کودکان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. گزارش آزارهای این مرد تبه‌کار به پلیس، باعث شد تا به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت بررسی‌ها برای شناسایی هویت و دستگیری متهم ادامه یابد. در نهایت امیر مدتی بعد دستگیر شد و به جرایم خود اعتراف کرد.



بازپرس رحیم دشتیان به خاطر تعدد جرایم متهم، کیفرخواست امیر را به اتهام افساد فی الارض صادر کرد. با این کیفرخواست، متهم در دادگاه عمومی و انقلاب پای میز محاکمه رفت و با صدور حکم از سوی دادگاه عمومی و انقلاب با تأیید آن در دیوانعالی کشور، سرانجام سحرگاه چهارشنبه گذشته، این مرد ۳۲ ساله در زندان رجایی شهر به دار مجازات آویخته شد.

متهم به قتل در دادگاه:

خودزنی کردم تا پلیس را گمراه کنم

گروه حوادث / حکم قصاص پسر جوانی که در یک درگیری دوستش را به قتل رسانده بود در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و وی در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ در شهری آغاز شد. سعید که خودش به اداره پلیس رفته بود گفت: دوستم را در یک درگیری با ضربات چاقو مجروح کردم. البته خود سعید هم در این درگیری مجروح شده بود. او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: من و دوستم سینا با هم دعوا کردیم و او با چاقو به من حمله کرد و من هم برای دفاع از خودم ناچار شدم به رویش چاقو بکشم و ضرباتی را به دوستم زدم. مأموران برای صحت ادعاهای سعید راهی محل درگیری شدند و مشخص شد سینا وضعیت خوبی ندارد که بلافاصله وی را به بیمارستان منتقل کردند و ساعاتی بعد او فوت کرد و سعید به اتهام قتل عمد باداشت شد. پس از اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم محاکمه شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده پدر و مادر مقتول خواستار صدور حکم قصاص شدند. در ادامه متهم به جایگاه رفت و گفت: آن روز سر موضوع کوچکی با هم درگیر شدیم و سینا سیلی محکمی به صورتم زد. وقتی ماچرا را با دوستانم در میان گذاشتم سوار خودروی یکی از دوستان‌مان شدیم و در خیابان دنبال سینا گشتیم تا کار او را تلافی کنم تا اینکه سینا را در داخل ساندویچی پیدا کردم. من و یکی از دوستانم در حالی که چاقو و قمه در دست داشتیم وارد ساندویچی شدیم که سینا به محض روبه روشن با ما یکی از صندلی‌های ساندویچی را برداشت و به سمت‌مان حمله کرد. من او را هل دادم و در حالی که روی زمین افتاده بود چند ضربه چاقو به پایش زدم. البته ضربه‌هایم کشنده نبودند و قصدم ادب کردن او بود. بعد هم برای اینکه ماچرا را از مسیر اصلی منحرف کنم با چاقو خودزنی کردم تا پلیس را گمراه کنم. اما حالا اعتراف می‌کنم که اشتباه کردم.

این درحالی است که ۳ متهم دیگر پرونده و از همدستان متهم اصلی که با قرار وثیقه آزاد بودند نیز به شرکت در نزاع منجر به قتل و شرب خمر اعتراف کردند. در پایان جلسه هیأت قضایی وارد شور شد و سعید را به قصاص، ۶ سال زندان و ۸۰ ضربه شلاق محکوم کردند و ۳ متهم دیگر هم هر کدام به شلاق و ۳ سال زندان محکوم شدند.

با اعتراض متهمان به حکم صادره پرونده به دیوان عالی کشور رفت و حکم قصاص سعید تأیید شد. ولی قضات دیوان عالی کشور حکم زندان و شلاق وی و ۳ همدستش را شکستند و خواستند تا به اتهام شرب خمر، تهدید و تخریب بار دیگر متهمان محاکمه شوند.

سندسازی برای فروش خانه ۶۰ میلیارد تومانی

گروه حوادث / زن و یک مرد با جعل سند، خانه‌ای ویلایی در شهرک گلستان تهران را به مبلغ ۶۰ میلیارد تومان فروختند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مردی با مراجعه به کلانتری ۱۴۱ شهرستان از یک کلاهبرداری و جعل سند خبر داد و گفت: آگهی فروش یک خانه ویلایی به ارزش ۶۰ میلیارد تومان را دیدم و با فروشنده تماس گرفتم. پس از بازدید خانه و توافق بر سر قیمت، ۲۰ میلیارد تومان به‌عنوان پیش پرداخت به فروشنده که یک زن و مرد بودند دادم و قرار شد بقیه پول را نیز بپردازم. اما قبل از پرداخت قسط دوم متوجه جعلی بودن اسناد خانه شدم و بلافاصله برای شکایت به کلانتری آمدم.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در تشریح این خبر گفت: با شروع تحقیقات مشخص شد متهمان دو زن و یک مرد هستند که با سندسازی برای خانه ویلایی آن را فروخته‌اند.

بدین ترتیب با شناسایی مخفیگاه متهمان در غرب تهران با هماهنگی‌های قضایی، در یک عملیات پلیسی دو نفر از متهمان در مخفیگاهشان دستگیر شدند. هر دو متهم در کلانتری به جرم ارتكابی اعتراف کردند و با قرار وثیقه مناسب روانه زندان شده‌اند.

وی با اشاره به اینکه دستگیری متهم سوم پرونده و کشف سایر جرایم احتمالی در دستور کار قرار دارد، از شهروندان خواست هنگام معامله خانه و زمین تا از اصالت مدارک هویتی و مالکیت فروشنده مطمئن نشده‌اید، از تنظیم هرگونه قرارداد و پرداخت وجه خودداری کنید.

بازداشت شوهر بعد از مرگ آتشین همسر



گروه حوادث / همزمان با مرگ زن جوان بر اثر شدت سوختگی در بیمارستان شوهر وی در حالی بازداشت شده که مدعی است همسرش خودسوزی کرده است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲ ظهر یکشنبه ۳۰ آذر مرگ زن جوانی به علت سوختگی شدید به بازپرس کشیک قتل اعلام شد. با شروع تحقیقات به دستور بازپرس ساسان غلامی مشخص شد که زن ۴۱ ساله یک هفته قبل به علت سوختگی به بیمارستان منتقل شده اما تلاش کادر درمان برای اوی نتیجه‌مانده وی تسلیم مرگ شده است. در ادامه تحقیقات مشخص شد خانواده شهناز با مراجعه به دادسرای یافت‌آباد از دامادشان شکایت کرده‌اند.

آنها مدعی بودند دامادشان به‌خاطر اختلاف‌هایی که با همسرش داشته او را با تینر آتش زده و شهناز قبل از مرگش و زمانی که در بیمارستان بوده به آنها گفته که عامل این حادثه، همسرش جلیل است. این در حالی است که مأموران کلانتری نیز قبل از مرگ شهناز از وی تحقیق کرده و در پرونده نوشته بودند که شهناز مدعی شده شوهرش او را آتش زده است.

بدین ترتیب جلیل به دستور بازپرس دادسرای یافت‌آباد بازداشت شد اما در تحقیقات منکر آتش زدن همسرش بود. پس از مرگ زن جوان، با اعلام موضوع به بازپرس جنایی تهران پرونده به دستور بازپرس غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران همراه متهم به دادسرای جنایی منتقل شد تا تحقیقات از او صورت گیرد.

گفت و گو با متهم

■ **چطور با همسرت آشنا شدی؟**

سال ۹۱، در یک نمایشگاه اتومبیل در اسلامشهر کار می‌کردم. مسیر رفت و آمد همسرم از مقابل نمایشگاه ما بود و من او را دیدم و عاشقش شدم. وقتی از او خواستگاری کردم شماره برادرش را به من داد تا برای ازدواج با او صحبت کنم. وقتی با برادرش تماس گرفتم به من گفتند او ۱۲ سال از تو بزرگتر است

من نیامدند. با این حال من گاهی به دیدن مادر می‌رفتم، اما شهناز می‌گفت حق نداری به دیدن او بروی. این موضوع یکی از مشکلات اصلی ما بود که مدام به‌خاطر آن باهم دعوا می‌کردیم.

■ **فرزند هم‌دارید؟**

شهناز یک بار سقط جنین کرده بود. فروردین امسال هم بچه‌مان ۵ ماه و ۲۰ روزه به دنیا آمد و بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان فوت کرد. این اتفاق‌ها ضربه سنگینی به همسرم وارد کرد. او زمانی حالش بدتر شد که برادرش هم چند روز بعد فوت کرد. مرگ بچه و برادرش باعث افسردگی و مشکل روحی در شهناز شد. این موارد باعث اختلاف بین من و شهناز شده بود و مدام باهم درگیر می‌شدیم.

■ **روzh حادثه چه اتفاقی افتاد؟**

گفت حق نداری به خانه مادر ت بروی، اما من رفتم و وقتی برگشتم دیدم در خانه را از داخل قفل کرده است. بعد از مدتی در خانه را باز کرد و خودش به آشپزخانه رفت و با قیچی موهایش را کوتاه کرد. بعد هم تینر را برداشت ابتدا کمی روی من پاشید و بعد روی خودش تینر ریخت. بعد هم فندکی برداشت. از این رفتارش بشدت شوکه شده بودم. فندک را روشن کرد و ناگهان شعله‌ور شد. خواستم کمکش کنم اما چون در آکاردونی قفل بود نمی‌توانستم وارد شوم بعد خودش کلیدها را به سمت من انداخت با عجله در را باز کردم و او را به داخل حمام بردم. بعد از اینکه آتش خاموش شد با خانواده‌اش تماس گرفتم و گفتم شهناز خودش را آتش زده است. بعد هم با اورژانس تماس گرفتم و او را به بیمارستان بردند. ■ **تینر از کجا آورده بود؟**

ما ساکن طبقه سوم هستیم و طبقه اول و دوم خالی است و صاحب خانه تصمیم داشت بعد از رنگ کردن این واحدا، آنها را اجاره دهد. تینر زیر راه پله‌ها بود که شهناز تینر را برداشته و به خانه آورده بود.

و این ممکن است برایت مشکل‌ساز شود اما من پذیرفتم و دو هفته بعد با او ازدواج کردم. حتی مدتی بعد از ازدواج‌مان متوجه شدم که شهناز قبلاً با شخصی عقد کرده بود با اینکه این موضوع را از من مخفی کرده بودند باز هم برخوردی نکردم و با این موضوع کنار آمدم. ■ **پس اختلافان سر چه بود؟**

پدر و مادر من از هم جدا شده بودند و حتی در زمان ازدواج هیچ کدامشان برای مراسم عروسی

دختر ۲۱ ساله قربانی خشم پدر شد

شیدا چند سالی بود که به اصفهان آمده و اینجا درس می‌خواند، خواهر بزرگ‌ترش هم در اصفهان زندگی می‌کرد و او مدتی پیش خواهرش زندگی می‌کرد. ولی خانواده‌اش گفته بودند باید به روستا برگردد.

در مورد ماجرای قتل شیدا از دوستان و همشهری‌هایم دلایل مختلفی شنیده‌ام، برخی می‌گویند دیر به خانه رفته و پدرش عصبانی و با او درگیر شده، برخی هم می‌گویند پدرش متوجه ارتباط و عشق او به یک پسر شده به همین دلیل عصبانی شده و به او حمله کرده است. هرچه بوده پدرش او را خفه کرده و جنازه‌اش را در یک گونی در بیابان‌های علی‌آباد رها کرده بود، حالا هم پدرش را دستگیر کرده‌اند. وی مدعی شد: سال قبل خواهر کوچک‌تر شیدا هم خودش را دار زده بود. ما با هم رفت و آمد داشتیم و گاهی به خانه‌شان می‌رفتم، پدر و مادرش خیلی سختگیر بودند. آنها ۴ دختر ۲۱ ساله‌ای بوده که پدرش او را کشته و جنازه‌اش را در بیابان‌های نزدیک علی‌آباد که روستای دیگری در آن منطقه است رها کرده بود. از شنیدن خبر مرگ شیدا شوکه شدم. خیرآباد روستای محرومی است که امکانات زیادی ندارد، به‌دلیل همین

حاضر نیز پرونده قتل دختر ۲۱ ساله در دادگاه مهر دشت در دست بررسی و انجام تحقیقات تکمیلی است تا انگیزه واقعی این جنایت برملا شود. از این حالی است که یکی از دوستان مقتول درباره این جنایت خانوادگی به ایسنا گفت: او را شیدا صدا می‌کردیم، اما اسمش در شناسنامه اعظم بود. ما همشهری، هم‌کلاسی و دوست بودیم و خانواده‌اش در روستای خیرآباد در بخش مهر دشت از توابع شهرستان نجف‌آباد همسایه مادر بزرگم بودند. هفته قبل وقتی از تولد دوستم به خانه برگشتم مادرم گفت که در خیرآباد یک دختر جوان را کشته‌اند و جسد او بعد از ۳ روز پیدا شده است. وقتی نشانی‌های او را پرسیدم گفت دختر ۲۱ ساله‌ای بوده که پدرش او را کشته و جنازه‌اش را در بیابان‌های نزدیک علی‌آباد که روستای دیگری در آن منطقه است رها کرده بود. از شنیدن خبر مرگ شیدا شوکه شدم. امکانات زیادی ندارد، به‌دلیل همین

متهم به قتل وحید مرادی در انتظار محاکمه

گروه حوادث / مرد زندانی که به اتهام قتل وحید مرادی در زندان به قصاص محکوم شده بود در حالی برای سومین بار محاکمه می‌شود که قضات دیوان عالی کشور رأی صادره را نقض کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این مرد جوان که سعید نام دارد دو بار در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اتهام قتل وحید مرادی شرور معروف به قصاص محکوم شد اما رأی صادره در دیوان عالی کشور نقض شد و برای بار سوم سعید باید پای میز محاکمه برود. وحید مرادی مقتول این پرونده که ۲۳ ساله بود و چندین سابقه کیفری داشت به اتهام قتل دوستش در خانه وی واقع در ولنجک دستگیر شده و به زندان افتاده بود اما در جریان یک درگیری جمعی در زندان کشته شد. متهم در اعترافات خود گفت: روز حادثه وحید با نوچه‌هایش به سمت ما حمله کرد او می‌گفت عقاب زندان است و همه باید به خواسته‌اش احترام بگذارند ما در بند را بستیم که درگیری ایجاد نشود. آنها با آب جوش و چاقو حمله کردند و درگیری بالا گرفت آنها به زور وارد بند ما شدند و با چاقو و قمه دست ساز حمله کردند و در این میان وحید کشته شد. من این قتل را مرتکب نشدم و اتهام را قبول ندارم.

این درحالی بود که اوایلای دم برای متهم درخواست قصاص کرده بودند. قضات دادگاه نیز پس از بررسی پرونده و فیلم درگیری در زندان حکم بر قصاص سعید دادند. اما وقتی سعید به رأی صادره اعتراض کرد پرونده دوباره به دیوان عالی کشور رفت و رأی نقض شد چراکه قصاص بر اساس علم قاضی صادر شده بود و دیوان عالی کشور اعلام کرد اگر فیلم بازیابی شده باید مشخص شود دقیقاً ضربه را چه کسی زده است. به این ترتیب دوباره نقض بر رأی صادره وارد شد و پرونده یکبار دیگر به شعبه ۴ برگشت تا با بازیابی مجدد فیلم یکبار دیگر متهم محاکمه شود.

این درحالی است که سعید متهم اصلی پرونده پیش از این دو نفر را به قتل رسانده بود اما موفق شد در هر دو پرونده رضایت بگیرد و فقط در پرونده قتل وحید مرادی فعلاً با حکم قصاص روبه روست. وی همچنین اتهام سرقت مسلحانه از طلافروشی در لاهیجان را نیز در پرونده‌اش دارد.

با توجه به نقضی که دیوان عالی کشور بر پرونده قتل وحید مرادی وارد کرده سعید یکبار دیگر در شعبه ۴ پای میز محاکمه می‌رود.